

پژوهشی درباره‌ی مسائل جوانان ایران

جوانی پر رنج ...

(۸)

«تشنه‌ایکه مدت‌ها عطش را حمل نموده و یا از آب گندیده و کثیف ، با اکراه و از روی ناچاری رفع عطش کرده است ، همین‌که آب گوارا برسد ، شکمی از عزا و عذاب درمی‌آورد و آنقدر می‌آشامد که قدرت آشامیدن بیشتر از او سلب گردد ...

بیست و دو سال از عمرم می‌گذشت ، از آن روز که فهمیده بودم ، واحساسات جنسیم برانگیخته شده بود ، تشنه بودم و تشنگی را بزحمت و خواری و ذلت و ناراحتی ، حتی به قیمت جان رفع کرده بودم ، اینک که بچشمه‌های گوارا رسیده و در برابر فراوانی نعمت قرار گرفته بودم ، دست و پای خود را گم کرده عجله داشتم ، هر چه زودتر سیراب شوم .^{۱۰}
«اولین مرتبه‌ای بود که در چنین اطاقی ، با خانمی بدین لطافت و ظرافت و قشنگی و مهربانی ، بیکه و تنها قرار گرفته بودم ، از شوق و ذوق در پوست نمی‌گنجیدم ... آب گوارائی که آرزو میکردم رسیده بودم ، به آنچه در خواب ندیده بودم ، با آنچه یک لحظه قدرت فکری و تخیلیم حتی نمی‌توانست تجسم دهد ، دست یافته بودم ، یک لحظه فکر کردم : ... محرومیت‌ها ، ناراحتی‌ها ، ناکامی‌ها ، مانند عکسهای سینما بسرعت از برابر چشمم گذشتند . مانند کسیکه جان می‌دهد ، و از دادن جان دریغ ندارد ، با میل و رغبت از او که در نتیجه‌ی افراط در اعمال و رفتار اولیه خسته شده بود ، انتقام گرفتیم ، انتقام محرومیت‌ها ، انتقام ناکامی‌ها!^{۱۱}»

بکار بردن واژه‌ی «انتقام» در اینجا واژه‌ای

بسیار رسا و مناسبی است . بسیاری از زیاده‌رویهای

جنسی پاره‌ای از دانشجویان ایرانی ، بویژه در

آلمان ، دانسته یا ندانسته ، آگاه یا ناآگاه ، جنبه‌ی انتقامجویی دارد .

آنهم نه تنها انتقامجویی از محرومیت‌های گذشته ، بلکه انتقامجویی در

برابر احساس اهانته‌ها و تحقیرهای موجود مردم کشور میزبان .

زیاده روی جنسی به عنوان
واکنش دفاعی

۱- شب زنده‌داری‌های پاریس ، ص ۸

۲- شب زنده‌داری‌های پاریس ، ص ۱۴-۱۳

انجام عمل جنسی توأم با قهر و غلبه، بعنوان پیروزی بر حریف مغلوب، همواره در بسیاری از جوامع‌های مختلف بشری، یکنوع تحقیر مغلوب و انتقام‌جویی از وی، یا بعبارت دیگر، یکنوع واکنش دفاعی، بشمار رفته است. بدین ترتیب بسیاری از دانشجویان ایرانی که خود را در کشورهای خارجی، دستخوش خود کم‌بینی، اهانت و تحقیر احساس می‌کنند، گوئی با افراد دراعمال جنسی، و مغلوب و مقهور ساختن زنان و دختران کشور میزبان، دق دل خویش را خالی کرده آتش خشم خود را فرو می‌نهند، و لهیب سوزان قلب انتقام‌جویی خویشتن را، تسکین می‌بخشند. ما در خارج از ایران، شواهد مکرری یافته‌ایم که نشان‌دهنده است، افراط در تنوع جویی و روابط جنسی ایرانیان، از جنبه‌ی کامجویی و تمتع‌گیری تنها گذشته، بصورت بیماری آسا و انتقام‌جویی نا آگاه عصبی در آمده است. يك جوان ایرانی در آلمان که پس از یکسال زندگی سربزیر و آرام، یکبار با شیوه‌ای عنان گسیخته و پرعصیان، بشهوت رانی و تنوع پرستی جنسی دست زده بود. در پاسخ انتقاد آمیز سایر جوانان ایرانی، اظهار داشت که :-

«از بس، از دست غرور و تحقیر آلمان‌ها بجان آمده‌ام، می‌خواهم بدین وسیله که تنها از من ساخته است. باشکندن دادن زنان و دختران آنها از آنان انتقام بگیرم. و با آنها رفتاری کنم که درخور حیوانات است»

در هر حال سوء استفاده از «آزادی نا شناخته»

سنجش مسئله

با آنکه دارای واقعیتی انکار ناپذیر است، خوشبختانه دردی علاج ناپذیر نیست. هنگام بررسی دقیق مسئله، نخست باید دانست که این امر در مورد تمام دانشجویان ایرانی صادق نیست. و تنها شامل اقلیتی محدود میگردد. دیگر آنکه در مورد بسیاری از آنان نیز، تنها دوران بحرانی و بسیار کوتاه و موقتی دارد، و بزودی همانند شاگرد تازه وارد در کارگاه شیرینی پزی، چشم و دلشان سیر میشود، و با احاطه بر محیط، تسلط بر زبان، آگاهی بر آداب و رسوم، آشنائی با طبقات مردم، بیداری حس آبرومندی و مسئولیت در برابر آنان و آغاز کار جدی تحصیلی، به تندی از شدت بحران آن کاسته میشود.

در مورد شهوت رانی‌های واکنشی و انتقام‌جویانه نیز، مشکل را باید سر پرستی‌ها و انجمن‌های فرهنگی کشور های میزبان، بعنوان یکی از مسائل دانشجویان خارجی و لزوم ایجاد تفاهم میان خود و آنان حل نمایند.

همچنین با نزدیک شدن تمدن شرق و غرب، اندک اندک از شدت

مسئله‌ی آزادی نا شناخته ، خود به خود ، کاسته میشود . بسیاری از مسائل که درسی چهل سال پیش ، برای جوانان ایرانی . هنگام رو برو شدن با آنها ، بیشتر جنبه‌ی رؤیا و افسانه داشت . تا حقیقت ، اینک دیگر حل شده است . خوشبختانه یا بدبختانه مقصود از « آزادی » در عنوان « آزادی نا شناخته » آنچنان سطحی است که درک و شناسائی و نیل به آن وهمسازی با آن ، در ظرف یک نسل تقریباً در حال حل شدن است . و احیاناً تا ده بیست سال دیگر ، ذکر « انتقام بخاطر محرومیت » در کتاب « شب زنده داری های پاریس » ، برای جوانان آینده‌ی ما چندان قابل درک و لمس نخواهد بود . سوءاستفاده از « آزادی نا شناخته‌ی جنسی » در ایران ، هم اکنون آنچنان در حال توسعه و همه گیری است که دیگر بزودی آنها ، مسئله‌ای اختصاصی برای جوانان مقیم خارج از کشور نمی‌توان دانست . بلکه آنها بیشتر باید مسئله‌ای از مسائل عمومی جوانان ایران تلقی نمود .

تعویض زن و تنوع پرستی پاره‌ای از ایرانیان مقیم خارج از کشور که ضمناً مورد انتقاد است ، گاه نیز ناشی از فرجام اندیشی آنان است . گروهی ، چون نمی‌خواهند قبل از پایان تحصیلات خود زناشوئی کنند ، از اینرو دوستی‌های گسیخته و نا پایدار را در روابط خود با جنس لطیف ، ترجیح میدهند . و همین خود یکی دیگر از علل روی کرد آنان بدختران متوسط و مادون متوسط است که بنا بر فرض ، خیال زناشوئی با جوانانی تحصیل کرده را کمتر در سر می‌پروراند ، و بیشتر تنها بهمان دلخوشند که چندی را با آنان دوستی کنند .

لیکن با تمام این توجهات ، بویژه باید در نظر داشت که شماره‌ی این دسته از جوانان ما که در برابر ناراحتی‌های خود به دفاع‌ها و جبران‌های انحرافی می‌پردازند ، همیشه تنها اقلیت بسیار کوچکی از جوانان مقیم خارج از کشور را تشکیل میدهند . و پیوسته اکثریت بزرگ با آن دسته از جوانان اعتلاجوئی است که با نیل به موفقیت‌های درخشان علمی و فنی می‌کوشند ، تا بجبران کم داشت‌ها و پاسخگوئی به تحقیرهای جانکاه توده‌ی مهمانداران خود ، مبادرت ورزند .

یکی دیگر از مشکلات ویژه‌ی دانشجویان ایرانی

تفرانی مالی

مقیم خارج از کشور که درخور توجه بیشتر است ،

مشکل خاص مالی آنهاست . دانشجوی ایرانی در خارج از کشور خواه و نا خواه تابع متغیر از سطح زندگی و نوسان‌های اقتصادی دو کشور است . کشور خود ، و کشور میزبان ۱ ماهیانه‌ای که بدست هر دانشجوی ایرانی در یک کشور خارجی می‌رسد ، باید عموماً بترتیب از مراحل زیر بگذرد :

- ۱- خانواده‌ی شخص، اصل پول را بپردازد.
- ۲- دولت و یا مؤسسه‌های مربوط آنرا تبدیل به ارز لیره یا دلار نمایند.
- ۳- ارز مزبور تبدیل به پول رایج کشور مربوط گردد، و بدست دانشجو برسد.

بسیاری از خانواده‌ها، در تهیمی مرتب پول دچار مشکلات فراوان هستند. وضع مالی خانواده‌ی دانشجو عموماً بستگی بوضع مالی کشور دارد بهای ارز ممکن است تغییر کند. در مقدار ارز، دولت ممکن است بنا بر سیاست مالی روز، یا بملاحظات دیگر، نظری خاص داشته باشد، و از مقدار آن بکاهد، و بالاخره سطح هزینه‌ی زندگی، در کشور میزبان دانشجو، تغییر نماید. برای مثال در سال ۱۳۲۹ که نویسنده عازم آلمان بود، بهای هر مارک آلمانی ۸ ریال، و بهای هر دلار ۳۲ ریال بود. در آن زمان هزینه‌ی زندگی در آلمان نسبتاً ارزان بود، و یک دانشجوی ایرانی بخوبی میتوانست با دوست و پنجاه تاسیصد مارک، در آلمان تحصیل کند بسیاری از دانشجویان ایرانی بهمین سبب، با داشتن کم و بیش ماهی دوست و دوست و پنجاه تومان، برای تحصیل به آلمان هجوم آوردند. در آن هنگام دولت مبلغ ۴۰ لیره‌ی استرلینگ که در حدود ۴۷۰ مارک آلمان، یا نزدیک به ۳۷۶ تومان می‌شد به دانشجویان ایرانی مقیم اروپا می‌پرداخت. بسیاری از دانشجویان با فروش نیمی از ارز خود تحصیل میکردند. سالی نگذشت که دولت ۴۰ لیره را به ۲۵ لیره تقلیل داد. بهای ارز ترقی کرد، تا جائیکه بهای هر دلار از ۳۲، به ۷۵ ریال و هر مارک از ۸، به ۱۸ ریال افزایش یافت، یعنی اگر در سال ۱۳۲۹ خانواده‌ی یک دانشجوی ایرانی مبلغ ۲۴۰ تومان می‌پرداخت، تا فرزندش در آلمان ۳۰۰ مارک دریافت دارد، در سال ۱۳۳۵ ناگزیر بود، مبلغ ۵۳۰ تومان بپردازد، تا همان سیصد مارک را فرزندش دریافت کند. نکته‌ی دیگر اینکه در طی این ۶ سال، یعنی از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۶ میلادی، در آلمان سطح هزینه‌ی زندگی ۳۰ درصد ترقی کرد، بعبارت دیگر قوه‌ی خرید سیصد مارک آلمانی سال ۱۹۵۰، در سال ۱۹۵۶ به قوه‌ی خرید ۲۱۰ مارک تنزل یافت. بدین ترتیب خانواده‌های یک جوان ایرانی در سال ۱۹۵۶ می‌بایستی ماهیانه معادل ۳۹۰ مارک یا ۷۰۲ تومان بپردازد، تا فرزندش بتواند مانند سال ۱۹۵۰ و داشتن فقط ۲۴۰ تومان، زندگی و تحصیل کند. اینک اگر بترقی سطح هزینه‌ی زندگی در ایران در طی سالهای مزبور، و عدم ترقی درآمد غالب از مردم توجه کنیم، بخوبی در خواهیم یافت که برای یک خانواده‌ی ایرانی که بزحمت می‌توانسته است ماهیانه ۲۴۰ تومان در سال ۱۳۲۹ برای زندگی و تحصیل فرزند خود بفرستد، چگونه امکان

داشته است در سال ۱۳۳۵ مبلغ ۷۲۰ تومان ، یعنی نزدیک به سه برابر مبلغ نخست را ارسال دارد ، در اینجاست که راز این جمله از «نامه‌ی تکان دهنده‌ی وزیر فرهنگ» سابق به نخست وزیر وقت که در بالا به نقل قسمتی از آن پرداختیم (ص ۱۱۵) بخوبی آشکار می‌شود - :

« بعضی از دانشجویان ایرانی در خارجه بگورکنی و دفن و کفن اموات اشتغال دارند. صدور چک‌های بی‌محل، دزدی، کلاهبرداری... و خودکشی نمونه‌ای از کارهای آنهاست که شرح آنرا فقط در پر و نودنده‌های محرمانه‌ی اداره اعزام دانشجویان باید مطالعه کرد... »

در اینصورت آیا جای شگفتی خواهد بود که پاره‌ای از جوانان گرسنه و نگران ، و ما یوس و عصبانی و بی‌پناه ، ناچار ، دست بکارهایی انحرافی بزنند ؟ !

اینکه آیا دانشجویی ایرانی برای رفع گرسنگی خود توانسته باشد بگورکنی و کفن و دفن اموات ، در اروپا اشتغال ورزد ، با توجه بشرایط خاص این مشاغل در اروپا خود جای بحث و تردید است . لیکن بسیاری از جوانان غیرتمند، و باهمت و درس‌خوان ما ، به امید ادامه‌ی تحصیلات و بخاطر ادامه‌ی زندگی شرافتمندانه ، رنج کار را ننگ ندانسته ، به ظرف‌شویی در کافه‌ها ، حمل بار در کارگاهها ، کشت و زرع در کشتزارها ، و کارهای بسیار پرمشقت دیگر در معادن ذغال سنگ و نظیر آن ، مردانه اشتغال ورزیده‌اند ، و ما خود بالغ بر هفت سال ناظر صحنه‌های غم‌انگیز و گاه افتخار آمیز فراوانی از تکاپوی جانفرسای آنان بوده‌ایم .

هنگام بلوای نفت ، بیش از چهارده ماه ارز دانشجویان ایرانی قطع شد . اکثر این جوانان در اثر اشتغال بکارهای بسیار شاق در معادن ذغال سنگ و نظیر آن ، در آلمان ، دچار کسالت‌های فراوان شدند. چند دانشجوی ما مسلول گشت . يك دانشجو که اینك خود از مأموران عالی رتبه‌ی دولت در اروپاست در اثر حمل الوادهای بسیار سنگین در يك کارخانه نجاری ، دچار پارگی رباط عضله‌ی بازو شد که هنوز هم پس از سالها معالجه و گذشت زمان از انجام کارهای ظریف مانند نوشتن با دست راست عاجز است .

رنج و نگرانی این دسته از جوانان ما که عموماً از خانواده‌هایی کم

۱- در این باره بعنوان شاهد رك : اظهار نظر و پاسخ ودانشجوی ایرانی مقیم آمریکا ، در باره‌ی کار دانشجویان ایرانی در آمریکا ؛

الف - گوهری : نامه‌ی تکان دهنده‌ی يك دانشجوی ایرانی از آمریکا ، خواندنیها .

ش ۱۳ ، و ش ۲۲ ، ۱۳۴۱

ب - علی اکبر طباطبائی ، پاسخ يك دانشجوی ایرانی در آمریکا ، خواندنیها

ش ۲۷ ، اردیبهشت ۱۳۴۱ .

بضاعت اند ، قابل توصیف نیست . کمتر سر پرست دلسوزی تا کنون به این دردهای کشنده‌ی دانشجویان ما رسیدگی کرده است . تنها هر چند يك بار روزنامه نگاری عجول ، آنها را بباد دشنام گرفته و درمضان اتهام قرارداد است هردستگاه مسئول نیز اصلاح و صرفه جوئی را در اقتصاد بیمار کشور ، باقطع یا تعدید ارز آنها آغاز کرده است .

صرف نظر از نگرانی‌های وابسته به تحولات ارزی ، ترقی سطح هزینه‌ی زندگی و نوسان‌های نا مطلوب اقتصادی در کشور اصلی و میزبان دانشجوی ایرانی مقیم خارج از کشور ، چگونگی تهیه‌ی اصل هزینه‌ی تحصیلی او نیز درخور تأمل است ،

پرداخت هزینه‌ی تحصیلی بسیاری از جوانان ما را ، از آنجا که بنیه‌ی مالی خانواده‌ی آنها اجازه نمی‌داده است ، اقوام دور و نزدیک و یا حتی آشنایان و دوستان آنها عهده‌دار شده‌اند . این امر خود خالی ازدشواری‌های فراوان نیست . چون غالباً لطف اینگونه افراد ، بسته به تحولات عاطفی و احساسات شخصی ، و یا حتی اشکالات مادی آنهاست . تجربه نشان داده‌است که قول پرداخت مرتب هزینه‌ی تحصیلی بوسیله‌ی اینگونه افراد ، تضمینی مطمئن ندارد . برای مثال ، دائی يك دانشجو ، متقبل پرداخت هزینه‌ی تحصیلی وی در آلمان شده بود . پس از یکسال میان این دائی با خواهرش - مادر جوان دانشجو - در سر تقسیم ارث پدر گفتگوئی درمی‌گیرد ، و منجر به قهر دائی و در نتیجه قطع پرداخت کمک مالی او به خواهرزاده‌اش میشود . و یا دانشجوی دیگری که باماهی دوپست تومان بامید تحصیل به آلمان آمده بود ، پس از ده ماه که از نظر مالی دچار پریشانی شدید شده بود ، وضع خود و علت پریشانی خویش را ، اینگونه شرح میداد - :

« در اثر تکاپو و خواهش‌های زیاد من ، دو تن از دوستان ، و يك پسر خاله و يك پسر عموی من ، هر يك قرار گذاردند ، ماهیانه مبلغ ۵۰ تومان که مجموعاً دوپست تومان میشود ، بمن برای تحصیل بپردازند . اینك دوماه است که پسر عمویم از پرداخت سهم خودش ، خودداری کرده است ، و برایم نوشته است که : « چون ازدواج کرده‌ام ، دیگر متأسفانه برایم ، مقدور نیست مبلغ معهود را برای تو بفرستم ، امیدوارم مرا به بخشش » . اینك می‌ترسم که بقیه هم کم‌کم رویه‌ی پسر عمویم را در پیش گیرند ، و من آنوقت نمی‌دانم : چه خاکی باید بسر کنم ؟ ! »

مانمی‌دانیم به ملتی که بسیاری از فرزندان اعتلاجویش در چنین شرایط ناگواری که پیوسته نگرانی‌های انگیزخته از عدم امنیت مالی ، چون سرطانی اعماق روح آنانرا فرو می‌خورد . باز هم چنان مردانه میکوشند تا به تحصيلات خود ادامه دهند ، باید تبريك یا تسلیم گفت . در هر حال این واقعیت

اندوهبار و سهمگینی است که اکثریت از جوانان زحمت کش ما، در برابر گروه انگشت شماری که از همه چیز بر خوردارند، با آن، پیوسته دست بگریباندند.

دشواریها پس از بازگشت
جوانان ما، پس از تحمل مشکلات فراوان تحصیلی و غیر آن در خارج از کشور، هنگام بازگشت به وطن، تازه با يك سلسله مسائل و مشکلات جدید روبرو میشوند که گاه متأسفانه بسیاری از آنان را چنان دلسرد و مأیوس میسازد که غالباً از مراجعت خود پشیمان می شوند. دشواریها و مسائل عمومی دانشجویان ایرانی را پس از بازگشت، بطور کلی در چهار دسته میتوان خلاصه کرد - :

- ۱- دشواری سازگاری مجدد، در اثر اعتیاد بزندگی دیگر
 - ۲- تفاوت زندگی تحصیلی و حرفه ای
 - ۳- برخورد سلیقه های مختلف افراد تحصیل کرده بایکدیگر
 - ۴- برخورد افراد همه کاره ی غیر فنی، با افراد متخصص
- ۱- دشواری سازگاری مجدد
تحصیل و زندگی در يك کشور خارجی، پس از سالها، خواه ناخواه جوانان ما را به طرز فکر خاص، و شیوه و زندگی دگرگرفته ای معیار و مأنوس میسازد. از طرفی دیگر دوری از وطن، يك نوع جدائی و بیگانگی نسبت به سنت های ملی، آداب و رسوم اجتماعی، و بویژه سازمانها و تشکیلات کشوری پدید میآورد. دانشجو هنگام ورود به میهن، مدتی وقت لازم دارد، تا دوباره از نوباز، خویشتن را با شرایط جدید هماهنگ سازد، لیکن در این مدت، چون بسیاری از چیزها را خلاف انتظار و غیر قابل تحمل احساس میکند، بزودی دچار يك نوع پریشانی و عصبانیت و زود رنجی میگردد. و چون غالباً نیز کم فرصت است، و این عدم رضایت را با بیان های مختلف و گاه زنده ای بر زبان می راند. احياناً با عکس العمل های شدیدی از طرف هموطنان خویش، که کوچکترین آن، استهزاء است، روبرو میشود. اصطلاحات «غرب زدگی»، «فرنگی مآبی» و «جعفر خان از فرنگ آمده» و نظیر آن، غالباً در همین دوران ناخرسندی پس از بازگشت، ب جوانان ما، اطلاق شده است.
- لیکن خوشبختانه «انسان حیوان معتاد است»، کم و بیش جوانان بازگشته ی ما، دیر یا زود، این مرحله را پشت سر می گذارند؛ و تا اندازه ای با شرایط جدید خود را هماهنگ می سازند. این مدت همسازی مجدد برای پاره ای گاه شش ماه و برای گروهی دیگر گاه تا یکسال بطول می انجامد. تنها اگر بتوان وسایلی برانگیخت که جوانان بازگشته ی ما، این کم و بیش یکسال «مدت همسازی مجدد» را تحمل کنند، از بسیاری از مسائل و نگرانی های آنها کاسته خواهد شد.

۲- تفاوت تحصیل و کار
تحصیل و شرایط آن ، در همه جا ، با کار و شرایط زندگی حرفه‌ای متفاوت است . همواره کسانی که تازه پس از تحصیل وارد زندگی حرفه‌ای میشوند ، بادشواریهائی ناگفتنی و گاه غیر قابل پیش بینی برخورد می‌کنند ، که حل آنها به طول زمان ، اخذ تجربه ، تحمل مشکلات و بردباری نیازمند است ، زندگانی حرفه‌ای مستلزم همسازی و ورزیدگی ویژه است .

از آنجا که دانشجویان ایرانی در خارج از کشور ، عموماً کارشان تنها تحصیل بوده است ، و از مزایا ، سهل‌گیرها ، و تخفیف‌های زندگی تحصیل برخوردار بوده‌اند ، و هزینه‌ی تحصیلی‌شان نیز غالباً بطور مرتب برایشان ارسال می‌شده است ، حتی از «تفاوت تحصیل و کار» ، و مشکلات خاص زندگانی حرفه‌ای ، بمعنی واقعی ، در کشورهای خارجی کمتر اطلاع و تجربه دارند . از اینرو هنگامی که برای نخستین بار ، می‌خواهند وارد زندگی حرفه‌ای شوند ، عموماً دشواریهای جدید آغاز کار و انتخاب بدست آوردن شغل مناسب را در ایران ، با تسهیلات زندگانی تحصیلی خود ، در اروپا و امریکای سنجد ، و در نتیجه نخست مشکلات را بر مراتب بیشتر از آنچه که هست می‌بینند ، و سپس همه را نیز یکباره به حساب ناسامانی اوضاع نارسای اداری و اجتماعی ایران می‌گذارند ، و دستخوش تردیدها و نگرانی‌ها و پشیمانی‌های غیر لازم می‌گردند .

بدیهی است وجود «سازمانهای دلسوز رهبری» و هدایت ، برای اینگونه جوانان ، از بسیاری از رنجهای بیهوده و بی‌اس‌های فلج کننده و بی اساس آنان میتواند پیشگیری کند ، و با دست کم بکاهد .

۳- برخورد سلیقه‌ها
یکی دیگر از مسائل خاص جوانان خارجه رفته و به میهن بازگشته‌ی ما که اینک دامنگیر کشور نیز شده است ، مسئله‌ی برخورد شیوه‌های فکری ، و سلیقه‌ها و جهان بینی‌های مختلفی است که هر یک بخاطر تعین خط مشی برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی ، با خود از کشورهای مختلف به ارمنان آورده اند . برای مثال در زمان حاضر برخورد نحوه‌ی فکر و شیوه‌ی کار و سلیقه‌ی دودسته از ایرانیان تحصیل کرده در «فرانسه» و در «امریکا» بیش از هر دسته‌ی دیگر بچشم می‌خورد .

۴- برخورد هر کاره‌ها
درددهکده‌ی کوچک خود بر ویبائی دارد . استاد علی را کسی نیست که نشناسد ، و دست کم ، در طول عمر خود ، یکبار سروکارش با و نیفتاده باشد ، و استاد علی کلاف سردرگم مشکل او را نگشوده باشد . استاد علی همه سرحریف است . او شخصاً خودش را به دیگ‌های سنگی کار خراسان ، مشهور به «هر کاره» تشبیه میکند . او هم آهنگر است ، هم مسگر ، هم نجار است ، هم خراط ، و هم

ده چیز دیگر . مردم ده میگویند : ازهر انگشت استاد علی ، ده هنرمی بارد . استاد علی چرخ خیاطی تعمیر می‌کند . آفتابه می‌سازد . خاک انداز ، بیل ، میخ طولیه ، نعل اسب ، پنجره‌ی آهنی و چکش درست میکند . او همچنین ظرفهای مسی اهالی را ، سفید و تعمیر میکند . برای کدخدا ، زین اسب می‌دوزد . برای نه‌نه باجی سماور آب بندی می‌کند . و برای حمامی تون حمام می‌سازد دیگر چه کارها که استاد علی نمی‌کند ، و نمی‌تواند انجام دهد ! ؟

استاد علی تمام این فنون را ، از استاد مرحوم خود ، کربلائی ابوالفضل یاد گرفته است که اونیز وارث تمام فنون وفوت و فن کاسه‌گری پدر خود ، استاد رجب ، بوده است .

نمونه «استاد علی» هنرمند جامع شرایط و ذی فنون و هر کاره‌ی دهکده‌ی ما ، کم و بیش هنوز در اکثر ازدهکده‌ها ، و حتی شهرهای کوچک ما یافت می‌شود . در قرون وسطی ، و قبل از انقلاب صنعتی ، در هر گوشه‌ای از دهکده‌ها و شهرهای اروپا ، از اینگونه هنرمندان همه کاره فراوان یافت می‌شد . پاره‌ای از اروپائیان اینک تأسف می‌خورند که نمونه‌های استاد علی را دیگر نزدیک است از دست بدهند ، و تنها در داستانها وصف آنها را بخوانند .

استاد علی‌ها هر چند در خور هر گونه ستایش و باصطلاح آفرین و ناز شستند ، و از سودمندترین افراد هنرمند ، برای جامعه‌ی کوچک و ساده و ابتدائی خود بشمار می‌روند ، لیکن ضمناً نشانه‌ی عقب ماندگی تمدن بومی خود هستند . در حوزه‌ی کار و فعالیت استاد علی‌ها ، هنوز زندگانی صنعتی جدید ، «تقسیم کار» و «پرورش تخصصی» راه نیافته است . در محلی که هم تلویزیون ، هم دوربین فیلمبرداری ، هم دستگاه رادیولژی ، هم پالایش نفت و موتورجت وجود دارد ، دیگر متأسفانه در چنین جامعه‌ای محلی برای پرورش استاد علی‌های هر کاره نیست .

اجتماعات عقب افتاده که به حد مشخصی از زندگی مدنی جدید نرسیده‌اند هنوز مردم آنها آن قدرت درک وشم تفاهم ارزش متخصص ، استادان یک کاره ، و رشته‌های تخصصی را ندارند .

ایران ما هنوز در مرحله‌ای است که به استاد علی‌ها بیشتر اهمیت میدهد ، تا به مهندسان و دکترهای متخصص . نمونه‌ی استاد علی‌های هر کاره را اینک در اغلب از شئون فنی و اجتماعی کشور میتوان یافت . در دانشگاه ما حتی کسانی یافت میشوند که درسه چهار رشته‌ی تخصصی مختلف تدریس میکنند . هم اکنون در میان نویسندگان رادیو ، و مطبوعات میتوان نمونه‌ی این استاد علی‌های پرفایده را مشاهده کرد . از بالغ بر دوست و پنجاه نوع گفتار ،

سخنرانی ، داستان ، نمایش و خبری که شبانه روز، در رادیو منتشر میشود ، شاید روزانه بیست و پنج تا سی گفتار متنوع آن تنها از زیر دست یکی از این استاد علی ها باید بگذرد . این استاد علی که شغل اصلیش احیاناً خدمت در گمرک ، یا مأمور وصول مالیات در دارائی و یا دبیر ادبیات فارسی و تدریس گلستان سعدی بوده است ، دست تصادف بکمک هنر همه جانبه و طبع لطیفش ویرا برادیو منتقل ساخته است ، اینک هم تصنیف تصحیح میکند ، هم گفتار آشپزی می خواند ، هم در ترجمه ی داستانها و نمایشنامه ها اظهار نظر میکند ، هم گفتار خیاطی بانوان را رد یا قبول می نماید ؛ هم سخنرانیهای روانشناسی ، بهداشتی ، اقتصادی ، حقوقی ، هنری ، کشاورزی و گلکاری را از مد نظر دقیق انتقادی خود میگذراند . و پاره ای از مواقع نیز تصنیف و شعری میسازد که اعجاب و تحسین همه را برمی انگیزد . شگفت انگیزتر اینکه غالباً در هر مورد نیز اظهار نظر و اصلاحاتی را در متن گفتارهای فنی ، بخود اجازه می دهد ، و حتی گفتاری را از نظر فنی مردود تشخیص میدهد . این استاد علی های هر کاره اینک از برخورد با جوانهای يك کاره و متخصص تازه بدوران رسیده بسیار ناخرسندند . زیرا این جوانان که دعوی تخصص دارند ، در صلاحیت استاد علی ها ، هنگام اظهار نظر در رشته ی تخصصی خود ، تردید می ورزند . و جوجه وار می خواهند گنجشک های کهنه کار همه سر حریف را درس بدهند .

دو تن از دانشمندان علوم اجتماعی انگلستان بنام های «**روی لوئیس**» و «**آنگوس هود**» - در کتاب «**مردم پیشه ور**» درباره ی جامعه شناسی کار و زندگی حرفه ای در انگلستان ، می نگارند - :

«چرخهای نظام اجتماعی ما بوسیله ی افراد متخصص و فنی در گردش

است . ۱»

با کمال تأسف ، در زمان حاضر نه تنها این بیان در کشور ما ، مصداق خارجی ندارد ، بلکه حتی عکس آن با اوضاع ما بیشتر تطبیق میکند ، یعنی - :

«چرخهای امور کشور و اجتماع ما ، به استثنای مواردی بسیار نادر و جزئی ، بوسیله ی افراد متخصص و فنی نمی گردد »
بدیهی است در چنین اجتماعی که افراد انگشت شمار متخصص ، باید با توده ی انبوهی از مردم غیر فنی که ضمناً مصداق موردند ، همکاری کنند ، دچار برخورد ها ، سوء تفاهم ها ، و حتی کارشکنی های بسیاری خواهند شد . صرف نظر از دانشجویان ایرانی مقیم خارج از کشور ، عموماً دانشجویان ما با این دشواری ، کم و بیش همه روبرو هستند . افسران جوان ارتش و پلیس که تازه فارغ -

التحصیل میشوند و ناگزیرند با معلومات بیشتر و اطلاعات تازه تر ، لیکن با درجات کمتری زیر دست و فرمان افسران پیرتر ، با معلومات کمتر و اطلاعات کهنه تر ، ولی دارندهی درجات بیشتری کار کنند ، بویژه در اثر لزوم رعایت دقیق تر دیسیپلین نظامی ، این دشواری را بیشتر احساس می کنند ، و از آن رنج میبرند .

فرهنگ ما از آنجا که نخست نیاز شدیدی با افراد
دائرة المعارف پروری تحصیل کرده داشته است ، ناچار در آغاز کمتر در اندیشهی «متخصص پروری» بوده است . بلکه بیشتر گروهی را با اطلاعات عمومی تربیت کرده است ، تا بتوانند حداقل بهتر از بیسوادان باروشن بینی ویژهی طبقه‌ی تحصیل کرده ، به اداره‌ی امور بپردازند . از این-رو يك ديپلمه پس از فراغت از تحصیل بدنبال شغل میرفت . آنگاه اگر در فرهنگ میتوانست استخدام شود ، آموزگار می شد ؛ اگر در آنجا محلی نمی یافت به سراغ دارائی ، شهرداری ، پست و تلگراف ، بانک ، و یا وزارت کشاورزی میرفت و چنانکه میدانیم ، با وجود تغییر شرایط زندگی ، این وضع هنوز هم بشدت ادامه دارد .

تحصیل کرده‌های همه کاره ، پس از مدتی که
ناخوانده ملاحظه در اثر کمی افراد متخصص بکاری گمارده می شوند ، پس از مدتی ، امر بر خودشان نیز مشتبّه می گردد . خویشان را متخصص آن فن و صاحب تجربه و نظر می پندارند . «مدرك تخصصی» آنان «ابلاغ» و یا حکمی است که از روی اجبار برای آنان صادر شده است . بسیاری از جوانان متخصص ، هنگام تقاضای داوری ، در میان خودو دسته‌ی همه کاره‌های مدعی ، تازه با این مشکل جدید روبرو میشوند که داوران خود هیچگونه اطلاعی در موضوع داوری ندارند ، و داوریهایشان بیشتر متکی بر اساس عواطف قبلی ، و یا مصالح کنونی است ، نه بر اساس حقایق تخصصی . وجه بسیار که نتیجهی این داوریها نظیر داوریهای مردم آن روستای افسانه‌ای ، در مورد «مار کشیده» و «مار نوشته» از کار در می آید .

لیکن خوشبختانه یا بدبختانه میتوان گفت که دوران حکومت استاد علی ها اندك اندك به پایان میرسد . و ما خود را باید آهسته آهسته برای مقابله و مبارزه با خطرات تخصص ها و انشعاب های افراطی روبرو کنیم .
(ناتمام)